

سه شنبه 15 دي 1388 - شماره 19551

صفحه (14)

صفحه (3)

صفحه (2)

دویدن در کوچه بن بست (یادداشت روز)

کیهان و خوانندگان

گیج (گفت و شنود)

برنامه ریزی برای ایجاد فتنه جدید در پوشش پروژه آشتی ملی

دادستان تهران : محاکمه متهمان پرونده هتاکان ادامه دارد

هم کارناوال نفوذی ها بود هم جنبش مردم خداجو! (خبر ویژه)

آمریکا غنی سازی را بپذیرد تا از دست ایران نجات پیدا کند! (خبر ویژه)

شبکه های اجتماعی همان احضار روح با استکان است! (خبر ویژه)

سپر گروهک های برانداز یا مرجع مجاهدین و مجمع روحانیون؟! (خبر ویژه)

ارتش سایبری ایران شبکه اینترنتی «سیا» را به غنیمت گرفت (خبر ویژه)

مردان خداجوی موسوی بهایی و تروریست از آب درآمدند

پیام تسلیت رهبرانقلاب به مناسبت ارتحال آیت الله حاج آقا علی صافی



دویدن در کوچه بن بست (یادداشت روز)

ضرب الاجل بارک اوباما رئیس جمهور آمریکا به ایران روز پنج شنبه 31 دسامبر 2009 پایان یافت. اوباما چند ماه قبل در سفری به تل آویو و در حالی که کنار بنیامین نتانیاهو ایستاده بود به صراحت تاکید کرد پایان سال میلادی را زمانی می داند که در آن باید پیشرفتی محسوس درگفت وگوهای هسته ای با ایران رخ داده باشد و الا جامعه بین المللی اقداماتی علیه ایران به عمل خواهد آورد. از آن روز تا به امروز، هیچ کدام از امریکایی ها به سوال هایی از این قبیل که اگر ایران به ضرب الاجل دسامبر پای بند نماند دقیقا چه خواهند کرد و چقدر اطمینان دارند که اقدامات آنها بتواند اراده ایران را تغییر دهد، پاسخ نداده اند. شاید يك علت طفره رفتن از ارائه پاسخ صریح به این سوال ها همان باشد که امریکایی ها خود بارها گفته اند یعنی اینکه نمی خواهند فضای مذاکرات را با تندي هاي زودهنگام تخریب کنند، ولي علت مهم تر این است که امریکایی ها خود بهتر از هر کسی می دانند ورود به فاز تحریم ها، قدم نهادن در همان راهی است که جرج بوش بر پیمودن آن اصرار کرد و نهایتا هم به شکستی چنان فاحش انجامید که بارک اوباما توانست در مبارزه انتخاباتی خود در مقابل کاندیدای جمهوری خواهان، صرفا با تکیه بر همین يك مورد و تاکید بر ضرورت «تغییر» آن، همه چیز را به نفع خود تمام کند. اما حالا پس از چیزی حدود يك سال، زمره هایی وجود دارد که اوباما می خواهد به راه بوش بازگردد. سوال این است که اگر آن مسیر در دوران بوش جواب نداد چرا باید در دوران اوباما جواب بدهد؟ آیا اوباما می تواند از بوش، بوش تر باشد و روشی را که دولت بوش خود در ماه های آخر به ناکارآمدی آن واقف شد و کنار گذاشت-و به همین دلیل ویلیام برنز را به مذاکرات ژوئن 2008 فرستاد- با موفقیت اعمال کند؟

تنها اتفاق جدیدی که پس از روی کار آمدن اوباما در صحنه مواجهه تهران و واشینگتن رخ داد تاکید اوباما بر انجام مذاکره بدون پیش شرط و مستقیم با ایران بود. در میان مقام ها و مراکز تصمیم ساز در ایران هیچ کس این موضوع را يك «تغییر استراتژیک» ارزیابی نکرد چرا که واضح بود این تصمیم نه ابتکار اوباما بلکه محصول نیاز غیر قابل جایگزین دستگاه سیاست خارجی آمریکا به تعامل با ایران است و حتی اگر جرج بوش هم در کاخ سفید می ماند چاره ای جز در پیش گرفتن همین سیاست نداشت چه اینکه اولین حضور آمریکا در مذاکرات گروه 6 با ایران در دولت بوش رخ داد.

يك نگاه قدرتمند در ایران که از همان روزهای اول بر سر کار آمدن اوباما در لایه های درونی حکومت خود را نشان داد این بود که اساسا هدف اوباما از ورود به فاز تعامل مستقیم با ایران نه دستیابی به راه حل مذاکره ای برای موضوع هسته ای بلکه افزایش قدرت چانه زنی خود درون گروه 6 است -که در ماه های پایانی دولت بوش به حداقل مقدار ممکن تقلیل پیدا کرده بود- تا آنها را به همراهی در اعمال تحریم هایی بسیار شدید -همان که هیلاری کلینتون آن را تحریم های «فلج کننده» خواند- وادار سازد. این دیدگاه عقیده داشت پیشنهاد مذاکره و احیانا انجام یکی دو دور مذاکره نه ابزار رسیدن به راه حل بلکه تاکتیکی برای تشدید فشارهاست و امریکایی ها نهایتا علاقه ای برای به رسمیت شناختن حقوق ایران از خود نشان نخواهند داد. مدافعان این دیدگاه پس از وقایع رخ داده از

اول اکتبر به این سو، در موقعیتی هستند که می توانند استدلال کنند تحلیل آنها صحیح بوده و امریکایی ها اساسا وارد مذاکرات شدند که آن را به شکست بکشاند نه اینکه مسیر به سمت يك راه حل بگشایند، راه حلی که اکنون و پس از مذاکرات انجام شده در وین کاملا در دسترس است و امریکایی ها لاجبانه از حرکت به سمت آن خودداری می کنند. مهم این است که ببینیم چرا چنین اتفاقی رخ داده است.

مطالعه دقیق منابع امریکایی و صهیونیستی نشان می دهد استراتژی اوپاما در مقابل ایران پس از يك سال فراز و فرود نهایتا به شکل يك طرح 4 ستونی در آمده است. این طرح در واقع توصیفی است که امریکایی ها از فرایند سیاستگذاری خود درباره ایران طرف يك سال گذشته می کنند: 1- پیشنهاد مذاکره مستقیم اوپاما به ایران درون نظام ایران شکاف ایجاد کرد 2- این شکاف در اثر تحولات پس از انتخابات ایران بسیار عمیق تر شد 3- در اثر همین شکاف ها بود که ایران نتوانست پیشنهاد وین را بپذیرد و 4- اکنون باید از طریق اعمال تحریم های جدید این شکاف را تقویت کرد. دقیقا بر همین مبناست که اکنون ندای تحریم ایران از جانب محافل صهیونیستی درون و بیرون امریکا بلند شده و دولت اوپاما هم در مانده است که بر سر این دوراهی چه باید بکند.

پی دقتی ها و سوء تفاهم های موجود در این تحلیل بسیار فراتر از آن است که بتوان در اینجا ابعاد آن را شکافت. پیشنهاد مذاکره اوپاما به ایران از ابتدا شکاف چندانی درون حکومت بوجود نیاورد، تازه اگر هم اندکی اختلاف تحلیل بوجود آمده باشد اکنون کاملا رفع شده و تقریبا کسی از مسئولان نظام -حتی خوش بین ترین آنها- تردید ندارد که اوپاما چه از حیث اهداف و چه حتی از حیث روش ها ادامه منطقی بوش است و بالاتر از این شاید بتوان گفت به دلیل اعمال برخی پیچیدگی ها در رفتارهای خود از بوش هم خطرناک تر است. مقام های ایران در يك سال گذشته علاوه بر دست دراز شده اوپاما به دست دیگر او هم نگاه کرده اند و هرگز چیزی جز خنجر در آن ندیده اند. اختلاف بوجود آمده پس از انتخابات هم اساسا ربطی به پیشنهاد مذاکره اوپاما نداشت. مسئله به طور ساده این بود که پیاده نظام امریکا در ایران به دلایلی که اینجا جای بحث آن نیست به طمع افتاد که فرصتی برای وارد آوردن يك ضربه اساسی به نظام به دست آورده و برخی کاندیداها و خواص هم به دلیل آلودگی و بی بصیرتی فرصت و بستر لازم برای جولان این پیاده نظام را فراهم آوردند که البته دیدیم و دیدند دیری نپایید. علت رد پیشنهاد وین هم اختلافات داخلی ایران نبود. ایران همان ابتدا که پیشنهاد 3 کشور فرانسه، روسیه و امریکا را دریافت کرد فهمید که امریکایی ها به دنبال آن هستند که از بن بست بوجود آمده درباره برنامه هسته ای ایران با حفظ آبرو خارج شوند و به رفع و رجوع گرفتاری های حادث خود در منطقه بپردازند. واقعا در آن مقطع ایران اصراری هم نداشت که الا و لابد موضوع باید با يك آبروریزی برای غرب خاتمه پیدا کند. تحولات بعدی بود که مسیر را تغییر داد. در حالی که ابتدا بحث بر سر این بود که ایران طی يك فرایند مبادله مواد هسته ای، سوخت مورد نیاز خود برای راکتور تهران را به دست بیاورد به تدریج اظهاراتی از جانب غربی ها شروع شد که هدف اصلی خارج کردن مواد هسته ای از چنگ ایران و ایجاد يك تاخیر زمانی یکساله در دستیابی آن به سلاح هسته ای است. ایران ابتدا این اظهارات را جدی نگرفت اما رفته رفته مقام ها و تحلیلگران غربی آنچنان بر این موضوع تاکید کردند که معلوم شد ماجرا واقعا جدی است و غربی ها هدفی جز تهی کردن ذخیره اورانیوم کم غنی شده ایران ندارند. از این روی ایران خواستار آن شد که تضمین هایی محکم تر دریافت کند تا بتواند مطمئن باشد که حتما سوخت راکتور تهران را دریافت خواهد کرد. تضمین های مورد نظر ایران این بود که اصل مبادله محفوظ بماند اما انجام آن به طور تدریجی و درون خاک ایران صورت بگیرد. طرف غربی تضمین های درخواستی ایران را به منزله رد پیشنهاد وین تلقی کرد و بلافاصله رسانه های غربی پر شد از تحلیل هایی که می گفت ایران پیشنهاد وین را رد کرده است در حالی که غربی ها خود به خوبی می دانستند تنها چیزی که ایران خواسته اعمال اصلاحاتی در شکل اجرای پیشنهاد است. این درست است که درون ایران دیدگاه های مختلفی در مورد ماهیت پیشنهاد وین شکل گرفت ولی در سطح تصمیم سازی از همان ابتدا اجماعی روشن وجود داشت. این واکنش غربی ها نظام را کاملا متقاعد کرد که هدف غرب نه تامین سوخت راکتور تهران بلکه دقیقا همان است که خودشان اعلام کرده اند یعنی تهی کردن ذخیره مواد هسته ای ایران والا اگر غربی ها واقعا در ادعای خود صادق بودند و هدفشان ارائه سوخت به ایران بود چه فرقی می کرد که این مبادله در ایران انجام شود یا جای دیگر؟! و نهایتا اعمال تحریم ها -اگرچه هیچ تحریم موثری در کار نیست و امریکایی ها می خواهند دوباره سراغ سپاه برونند که قبلا هم بارها آن را تحریم کرده اند- مردم و نظام ایران را متحد خواهد کرد به جای آنکه در مقابل هم قرار دهد. اگر بنا بود تحریم داخل ایران را به هم بریزد 5 قطعنامه قبلی این کار را کرده بود ضمن اینکه وقتی غرب با تحریم سعی می کند به مردم ایران فشار بیاورد و متقابلا دولت ایران تلاش می کند بار تحریم را خود به دوش بکشد و فشارها را به مردم منتقل نکند، مردم باید از چه کسی متنفر شوند؛ دولت خودم و صبور یا غربی هایی که از تامین رادیو دارو برای بیمارستان ها هم خودداری می کنند!؟

اوپاما به دلیل تحلیل های اشتباه سیستم بررسی استراتژیک واشینگتن، اکنون گرفتار ضرب الاجل خود است. اگر به این ضرب الاجل عمل کند و پا در مسیر تحریم ها بگذارد وارد راهی شده که شکست خورده بودن آن مدت ها قبل ثابت شده و ضمنا تمام امکان های مذاکره با ایران درباره مسائل منطقه ای را هم از دست خواهد داد و اگر به آن عمل نکند آبروی خود را از دست خواهد دید.

مهدی محمدی



کیهان و خوانندگان

✘ پس از برگزاری تظاهرات عظیم مردم در محکومیت سران فتنه، اکنون نوبت مسئولان است که با سران فتنه برخورد نمایند.
نوریزاده از کرج

✘ به این آقایی که با بیانیه هایش دروغ می گوید بفرومائید که سرکردگان منافقین خودشان اعتراف کرده اند که در آشوب روز عاشورا حضور داشتند، اما بازهم موسوی اصرار دارد که آن آشوبگران مردم خداجو هستند.
یک هموطن

✘ انقلاب اسلامی ایران، یک دریای پاک و خالص است که گاهی دچار توفان می شود و ناپاکی هایش را تخلیه می کند. اغتشاشگران و سران فتنه، حکم همان ناپاکی را دارند که با این توفان، از این دریا بیرون ریخته شدند.
مهروی از نکا

✘ دادن فرصت به سران فتنه برای بازگشت به دامن ملت، وقت کشی است و هیچ سودی ندارد.
قاسم زاده از تهران

✘ به اصلاح طلبان و سیاستمداران کشور بفرومائید که دیگر دم از 13 میلیون طرفدار موسوی نزنند. چون بسیاری مثل من به موسوی رای دادند، اما حالا دیگر او را قبول نداریم. به جز مشتکی ارادل و اوباش دیگر هواداری برای موسوی نمانده است.
یک هموطن

✘ ضمن تشکر از روزنامه کیهان به خاطر افشای نقشه های صهیونیستی سران فتنه، از این روزنامه تقاضا می شود که نسبت به کشته سازی فتنه گران مقالاتی تحلیلی چاپ شود.
جراحی از مشهد

✘ در انتخابات ریاست جمهوری امسال به فردی رای دادم که اطرافیانم با او مخالف بودند. پس از اعلام نتیجه، ابتدا از آن ناراحت بودم، اما با خودم گفتم که مردمسالاری ایجاب می کند که به رای اکثریت احترام بگذارم. اما امروز و باگذشت 7 ماه از انتخابات، می بینم که اطرافیانم تا چه حد بصیرت داشتند که به کسی که این همه دل بسته قدرت و موقعیت اجتماعی است و با رفتارش که مصداق دیکتاتوری محض است و قصد دارد با فتنه گری و تخریب به قدرت برسد رای ندادند.
یک هموطن

✘ پیشنهاد می شود که خسارت های وارد آمده به اموال عمومی به دست آشوبگران، از سران فتنه و اغتشاشگران دستگیر شده گرفته شود تا برای سایر فتنه گران هم درس عبرت شود.
موسوی

✘ مردم ایران هیچ گاه خواص، سیاستمداران، هنرمندان و ورزشکارانی که در مقابل وطن فروشان و هتاکان سکوت کردند را فراموش نمی کنند و نخواهند آنها را بخشید.
یک هموطن

✘ برخی از خواص انتظار دارند که سران فتنه عذرخواهی کنند. اما این انتظار بسیار اشتباه است، زیرا آنها انواع جنایات و خطاها را مرتکب شده اند و دیگر راه برگشتی برای آن ها نمانده است. پس بهتر است که به جای این انتظارات، در پی محاکمه شدن سران فتنه باشند.
یک شهروند

✘ بنده 18 سال است که کارمند سازمان حج و زیارت هستم و در این مدت به وفور دیدم که وهابیون عربستان در برنامه های حج، چه توهین هایی به هموطنانمان می کنند. از این گذشته، با این مسافرت ها، پول هایی را به آن اعراب می دهیم که با آن ها برای کشتار شیعیان اسلحه تهیه می کنند. از ریاست محترم سازمان حج و زیارت تقاضای عدم برگزاری مراسم حج عمره از سوی ایران می شود.
یک شهروند

✘ از مسئولان تقاضا می شود که تکلیف شرکت های هرمی را معلوم کنند. چون برخی می گویند این شرکت ها قانونی هستند و برخی می گویند غیرقانونی. آیا مسئولان منتظر هستند که شرکت های هرمی، ابتدا پول مردم را غارت کنند و سپس با آن ها برخورد شود؟
یک شهروند

✘ لطفاً یک خط ویژه پیامک برای دریافت نظرات خوانندگان خود ایجاد نمائید.
یک خواننده

کیهان: بزودی امکان ارسال پیامک برای خوانندگان فراهم خواهد شد.

✘ علی رغم اینکه مسئولان اعلام کردند که برای تعویض خودروهای فرسوده، وام داده می شود، هیچ یک از نمایندگی ها و مراکز مربوطه قائل به وام دادن نیستند. لطفاً رسیدگی شود.
یک شهروند

✘ مدتی است که خیابان محمد حسینی واقع در خیابان آیت الله سعیدی(غیائی) پاتوق فروشندگان مواد مخدر شده و علناً در مدت شبانه روز اقدام به رد و بدل مواد مخدر و مزاحمت برای ساکنین محل می نمایند. از ریاست محترم کلانتری 114 غیائی که در نزدیکی همین خیابان نیز واقع شده است خواهشمندیم نسبت به دستگیری و رفع مزاحمت این افراد اقدام فرمایند.
جمععی از اهالی محل

✘ در تاریخ 8 دی ماه از ساعت 10/15 تا 30/16 حتی یک اتوبوس هم در خط تجریش- شهرک صف تردد نکرد. از مسئولان امر انتظار می رود که ضمن بررسی این اتفاق و پاسخگویی به شهروندان، نسبت به حرکت به موقع اتوبوس ها نظارت بیشتری داشته باشند.
راستاد

× طرح ارائه سهمیه به متاهلین در کنکور کارشناسی ارشد دانشگاه ها، يك طرح بسيار اشتباه است. چون هم مجردان و هم متاهلان به يك اندازه تلاش مي کنند و دليلي ندارد كه يك گروه از تلاش خود بهره بيشتري ببرند.

يك هموطن از تهران

× ديسكي كردن چرخ هاي عقب اتومبيل همان كار ترمز اي بي اس را انجام مي دهد با اين تفاوت كه هزينه آن به مراتب كمتر است. از كارشناسان توليد خودرو مي خواهيم كه در اين مورد نظر تخصصي خود را بدهند.

دهستان

× از وزير محترم رفاه و معاون پارلماني رياست محترم جمهوري مي خواهيم اقدامي نمايند كه قانون بازنشستگي كاركنان ارگان هاي دولتي با 25 سال سابقه كار شامل حال كارگران بخش هاي خصوصي نيز بشود.

جباري

× از 18 سال پيش قرار شده كه قطعه زمين 150 هكتاري در نواح از توابع شهرستان ملوچان كرمان بين افراد فاقد مسكن تقسيم و واگذار شود ولي بنياد مسكن كرمان تاكنون تكليف اين زمين ها را روشن نكرده است. تقاضا داريم مسئولان امر اين موضوع را به يك سرانجام معلوم برسانند و زمينه خانه دار شدن گروههاي از هم وطنان را در اين منطقه محروم فراهم سازند.

عيسي محمودي

× پايه برق ضلع جنوب شرق ميدان امام حسين(ع) فاقد روشناباي هستند از مسئولين اداره برق منطقه 17 شهريور براي رفع اين نقيصه درخواست مساعدت داريم.

از كسيه محل

پاسخ روابط عمومي سازمان آموزش و پرورش لرستان

در پاسخ به مطلب مندرج در سه شنبه 8 دي هشتاد و هشت روزنامه در ستون كيهان و خوانندگان به آگاهي مي رساند:

1- حقوق و مزايای حکمی کارکنان رسمی و پیمانی از طریق خزانه معین استان مستقیم به حساب کارکنان واریز می گردد لذا آنچه در حکم آنها برابر قوانین و مقررات وجود داشته باشد پرداخت می گردد.

2- حق لباس افراد یاد شده تا پایان سال 87 برابر با دستورالعمل شماره 15 قانون استخدام کشوری در موعد مقرر به آنان پرداخت گردیده است و در مورد مذکور پرداخت آن تاخیر نداشته است. اما در سال 88 در قانون مدیریت خدمات کشوری اشاره ای به آن نگردیده پیگیری های لازم در این مورد به عمل آمده فعلا بخشنامه یا دستورالعملی در این خصوص دریافت نشده است.

3- برابر نامه شماره 33/41900/710-16/8/88 مدیرکل امور اداری و تشکیلات وزارت متبوع هیچگونه تسهیلاتی برای نگهبان و سرایدار بابت حق کشیک(سرایداری) آنان در قانون مدیریت خدمات کشوری پیش بینی نشده است.

4- سرایداران و نگهبانان به صورت تمام وقت برابر قوانین و مقررات در واحدهای مربوطه انجام وظیفه می نمایند و بابت کار خارج از ساعات آنها هیچگونه دستورالعملی مبنی بر پرداخت نوبت دوم به این عزیزان وجود ندارد.

پاسخ روابط عمومی شرکت توزیع برق تهران بزرگ

در پاسخ به مطلب مندرج در مورخ 1/10/88 آن رسانه با عنوان افزایش پول برق مصرفی به آگاهی می رساند: از مشترک محترم درخواست می شود به منظور رسیدگی دقیق به مشکلات خود با شماره تلفن 88616613(دفتر روابط عمومی) تماس حاصل نمایند.

گیج (گفت و شنود)

گفت: تازه چه خبر؟!

گفتم: بعد از تظاهرات چند ده میلیونی مردم در محکومیت اهانت کنندگان به عاشورای حسینی(ع)، سران فتنه بدجوری گیج و منگ شده اند.

گفت: آخه دلشون نمی خواست به این زودی معلوم شود که در اردوگاه یزید خیمه زده اند.

گفتم: خب! چرا اهانت کنندگان به عاشورای حسینی(ع) را محکوم نمی کنند؟

گفت: آخه، اگر آنها را محکوم کنند که دیگه این چند تا هواداری هم که برایشون باقی مونده از دست می دهند.

گفتم: با این حساب مگه مجبورند بیانیه بدهند و یزیدیان رو «مردم خداجو» معرفی کنند؟!

گفت: خودشان هم نمی دانند چه می گویند و چه می کنند!

گفتم: یارو می خواست در يك محفل ادبی ابراز وجود کند، خطاب به حاضران گفت؛ در این محفل به یاد سعدی افتادم، اجازه بدهید يك شعر از فردوسی برایتان بخوانم، ملك الشعراي بهار در وصف اصفهان می گوید؛ خوشا شیراز و وصف بی مثالش و...!!



گزارش اختصاصی کیهان برنامه ریزی برای ایجاد فتنه جدید در پوشش پروژه آشتی ملی

سرویس سیاسی-

گزارش های دریافتی کیهان نشان دهنده آن است که سران جریان فتنه طراحی های جدیدی برای لاپوشانی خیانت های چند ماهه خود در قالب یک نسخه جدید از طرح به اصطلاح «آشتی ملی» انجام داده اند.

در حالی که برخی از تحلیلگران در روزهای اخیر با نامه نسنجیده محسن رضایی خطاب به رهبر انقلاب به عنوان یک «پروژه مستقل» و طراحی شده توسط شخص وی مواجه شده اند، برخی گزارش ها که کیهان اخیراً به آنها دست یافته نشان می دهد این نامه صرفاً یک «زیر پروژه» است و باید آن را به عنوان بخشی از یک پروژه کلان تر که هدف آن خارج کردن سران فتنه از بن بست فعلی و فراهم آوردن امکان تداوم حیات سیاسی برای آنهاست، تحلیل کرد.

محسن رضایی در نامه خود خطاب به رهبر انقلاب با به کار بردن تعبیر «معترض» درباره میرحسین موسوی و تمجید از بیانیه شماره 17 وی که در آن حرکت هتاکانه اوباش در جسارت به ایام عزای حضرت سیدالشهدا (ع) مورد تأیید قرار گرفته و به عنوان حرکتی خودجوش ستوده شده بود، از ایشان خواسته بود درباره حماسه روز 9 دی پیامی صادر یا سخنرانی کنند تا «از شروع دوباره فعالیت افراطیون دو جناح» جلوگیری شود. این نامه که به وضوح در حکم تأییدیه و تکمله ای بر بیانیه ضد انقلابی موسوی است، با واکنش های گسترده ای در میان مردم و نخبگان اصولگرا مواجه شد و به سرعت اجماعی در این باره شکل گرفت که رضایی هدفی جز تطهیر سران فتنه ندارد.

اطلاعات کیهان نشان می دهد برخی واقعیت های کلیدی این احساس عمومی را تأیید می کند. بر مبنای این اطلاعات سران جریان فتنه که اخیراً بر هماهنگی های خود با یکدیگر افزوده اند به 3 دلیل به این نتیجه رسیده اند که روند فعلی قابل تداوم نیست و باید راه خروجی از آن بیابند: 1- از دست رفتن بدنه مردمی فتنه و محدود شدن آن به ضد انقلاب 2- ناتوانی سران فتنه از کنترل رفتارهای ضد انقلابی باقی مانده حامیان خود و قطعی شدن این موضوع که نظام و مردم عقیده دارند هزینه این رفتارهای ضد انقلابی باید مستقیماً توسط سران فتنه پرداخت شود و 3- استحکام درونی جبهه انقلاب و سربازان ولایت فقیه که حماسه روز 9 دی نشان داد از پشتوانه مردمی وسیع و غیرقابل انکاری برخوردار است.

بر مبنای این 3 دلیل سران فتنه تصمیم گرفته اند یک پروژه وسیع رسانه ای با محوریت ضرورت آشتی ملی و خروج کشور از وضعیت فعلی را کلید زده و خود را در جایگاه ناصحان نظام و طلبکاران از آن بنشانند. نامه رضایی فقط بخشی از این پروژه است و بخش های دیگر آن هم به زودی آشکار خواهد شد که نگارش نامه هایی دیگر به رهبری، وارد کردن برخی بزرگان روحانی به این عرصه و نهایتاً ایجاد جنجال رسانه ای از طریق به دست گرفتن «پرچم خاتمه بحران» و «آرامش کشور» فقط بخش هایی از آن است. یک کارشناس آگاه که تحرکات جریان فتنه در ماه های گذشته را مستمراً مطالعه کرده در این باره به کیهان گفت: «از ابتدا قرار بود همین اتفاق بیفتد. لافل یک محفل خاص که تا امروز سران فتنه را اداره و تغذیه کرده از ابتدا بنا داشت ابتدا برای شعله ورتر شدن آتش فتنه هرچه می تواند انجام بدهد و بعد آن روز که همه خسته شدند و مطالبه خروج از وضعیت بحران در میان مردم بالا گرفت به عنوان فرشته نجات وارد عمل شود و ختم شدن غائله را به نام خود تمام کند.» وی ادامه داد: «برنامه ریز این جریان مدت ها قبل گفته بود نهایتاً همه مجبور می شوند سراغ من بیایند و حالا که این اتفاق نیفتاده و بلکه مطالبه برخورد با سران فتنه فراگیر شده، خودش تصمیم گرفته وارد عرصه شود و آخرین پروژه اش را اجرا کند.»

اطلاعات کیهان نشان می دهد که هدف نهایی این پروژه این است که اولاً سران فتنه را با کمترین هزینه از مهلکه نجات دهد و ثانیاً فتنه گران خود تبدیل به منادی وحدت و آشتی شوند تا اگر نظام نپذیرفت- که طبعاً نخواهد پذیرفت- بتوانند نظام را متهم کنند که اساساً بنای آشتی ندارد و فقط به دنبال درگیری و دعواست و به این ترتیب هزینه همه درگیری های احتمالی آینده را از روی دوش سران فتنه برداشته و به گردن نظام بیندازند.

اطلاعات موجود نشان می دهد گام بعدی این پروژه احتمالاً انتشار یک نامه دیگر و درخواست تشکیل چیزی شبیه شورای حکمیت یا شورای آشتی ملی خواهد بود. سران فتنه البته هنوز در این باره که نامه بعدی باید به امضای چه کسی باشد، چه زمانی منتشر شود و دقیقاً چه مواردی را مطرح کند که کهنه و تکراری به نظر نیاید، به جمع بندی نهایی نرسیده اند ولی در این باره اتفاق نظر دارند که در پیش گرفتن این روش تنها راهکار پیش روی آنهاست.

همه این برنامه ریزی ها در حالی است که کارشناسان عقیده دارند هرگونه اغماض و چشم پوشی نسبت به فتنه گران که امثال آقای رضایی هم در ماه های گذشته با آنها همگام و هم قدم بوده اند، باعث خواهد شد هزینه اقدام علیه امنیت ملی بسیار پایین به نظر برسد و به این ترتیب فتنه گران و دوستان خارجی آنها در برنامه ریزی برای ایجاد فتنه های بعدی جسورتر شوند و دقیقاً به همین دلیل باید حداکثر سخت گیری را در این مورد اعمال کرد. این کارشناسان معتقدند اگر منظور از آشتی ملی آشتی مردم با یکدیگر باشد این بحثی بی مورد است چرا که مردم اساساً با یکدیگر نزاعی ندارند و حماسه روز 9 دی هم نشان داد اتحاد ملی با حداکثر درجه ممکن اکنون در میان مردم وجود دارد و بسیاری از کسانی که آن روز به خیابان آمدند همان کسانی هستند که در روز 22 خرداد به کاندیدایی به جز دکتر احمدی نژاد رای داده اند. اما اگر مقصود آشتی بین جریان سیاسی باشد این امر بدون برخورد با فتنه گران، جبران عملی خسارت هایی که در اثر خیانت های آنها به کشور وارد شده و مرزبندی صریح و روشن آنها با دشمنان اسلام، انقلاب و رهبری مطلقاً امکانپذیر نیست.



دادستان تهران: محاکمه متهمان پرونده هتاکان ادامه دارد

دادستان تهران با اشاره به برگزاری اولین جلسه رسیدگی به اتهامات توهین کنندگان به آرمان های انقلاب اسلامی در شعبه 15 دادگاه انقلاب، گفت: جلسات بعدی رسیدگی به این پرونده ادامه دارد. عباس جعفری دولت آبادی درباره وضعیت بازداشت شدگان روز عاشورا و سیاست جدید دادستانی، اظهار داشت: این افراد که در تظاهرات و تجمعات ضد انقلابی روز عاشورا شرکت کردند، آزاد نمی شوند، مگر آن که بی گناهی متهمان برای قاضی پرونده محرز شود. وی همچنین اعلام کرد که روز گذشته اولین جلسه رسیدگی به اتهامات توهین کنندگان به آرمان های انقلاب اسلامی در شعبه 15 دادگاه انقلاب برگزار شد. جعفری دولت آبادی گفت: روز یکشنبه دو نفر از متهمان پرونده هتاکان محاکمه شدند و رسیدگی به اتهامات سایر متهمان امروز نیز ادامه خواهد داشت. به گزارش ایسنا، جعفری دولت آبادی تصریح کرد که پس از قطعیت احکام می توان اسامی آنها را اعلام کرد. دادستان تهران همچنین درباره آخرین وضعیت پرونده انفجار در خانقاه نعمت اللهی ها، افزود: تحقیقات در این پرونده در دادگاه انقلاب ادامه دارد.

هم کارناوال نفوذی ها بود هم جنبش مردم خداجو! (خبر ویژه)

بیانیه جدید گروهک سازمان مجاهدین (انقلاب) با استقبال شبکه دولتی انگلیس همراه شد. بی بی سی انگلیس عنوان «هشدار مجاهدین انقلاب در مورد نفوذ جنبش سبز» را برای بیانیه مذکور انتخاب کرد و نوشت: یکی از تشکل های اصلاح طلبان در مورد نفوذ اقتدارگرایان در تجمع های جنبش اعتراضی به منظور تشویق تندروی هشدار داده است. شبکه دولتی انگلیس همچنین به بخشی از بیانیه استناد کرد مبنی بر اینکه «براساس شواهد و قرائن موجود، ستاد عملیات روانی اقتدارگرایان حاکم، گروه هایی را برای جهت دادن اعتراضات به سوی شعارهای انحرافی نظیر شعارهای ضدنظام و سلطنت طلبانه و نیز تشویق تظاهرکنندگان به درگیری های فیزیکی آماده کرده است.» استقبال بی بی سی از بیانیه گروهک مجاهدین و هشدار نسبت به تندروی نفوذی ها در تجمعات سبزه ها در حالی است که این شبکه از چند روز قبل از آشوبگری و حرمت شکنی روز عاشورا، به هیزم کشی و تدارک ماجرا روی آورده و در روز عاشورا نیز به صورت زنده و آن لاین، لحظه به لحظه جریان سازمان دهی شده را هدایت می کرد و بر گسترش اغتشاش اهتمام داشت! در بیانیه سازمان مجاهدین آمده است: «در روز عاشورای حسینی، حرمت ماه حرام به سادگی شکسته شد و بر اثر حمله و سرکوب عزاداری اعتراضی مردم در تهران ده ها تن کشته و زخمی شدند... چند روز پیش از عاشورا آقای مهندس موسوی هشدار داد که ماجرای از جنس کارناوال عصر عاشورا در حال شکل گیری است» سازمان در عین حال با لحنی منافقانه، آشوبگران را «مردم» توصیف کرد و تحرکات آنها را «یکی دو صحنه مشکوک صوت [سوت] و کف» عنوان کرد. تناقض نهفته در بیانیه (مانند رویه موسوی) این است که به رغم انتساب حرمت شکنی های روز عاشورا به نظام، گروهک مجاهدین حاضر نشد این حرمت شکنی ها را محکوم و از بانیان آن به اصطلاح کارناوال- که به عنوان مردم یا مردم خداجو یاد می شود!- ابراز انزجار کند درباره شکستن حرمت ماه حرام نیز آنچه جالب است اینکه جریان نفاق اگر چه عناصر سازمان یافته محارب را به حرمت شکنی محرم و عاشورا فراخوانده اما توقع دارد ملت وفادار نظام و نیروهای انتظامی در مقابل محاربین نایستند. آیا امام حسین(ع) در روز عاشورا باید به اسم حرمت ماه حرام با جبهه مهاجم نفاق و کفر از سر عزت نمی جنگید؟! و آیا ماه های حرام برای مسلمان ها حرام و برای منافقین و محاربین حلال است که همه حرمت ها را زیر پا نهند؟! این نکته هم گفتنی است که قریب 100 مامور نیروی انتظامی به اعتبار خویشترنداری و عدم برخورد قاطع با اوپاش و تروریست های سازمان یافته، مضروب و مجروح شدند بی آن که حتی یک گلوله به سوی عناصر محارب شلیک کنند. اما محاربین که نیاز به کشته سازی و وارونه نمایی صحنه دارند، چند نفری را نیز قربانی مطامع سران فتنه در داخل و خارج کردند.



آمریکا غنی سازی را بپذیرد تا از دست ایران نجات پیدا کند! (خبر ویژه)

در پی برخی زمزمه ها در دولت آمریکا مبنی بر اعمال تحریم های هدفمند علیه برخی مقامات ایرانی به جای تحریم های قبلی روزنامه فایننشال تایمز نوشت: چنین تحریم هایی تاثیر ناچیزی بر جمهوری اسلامی می گذارد. این روزنامه انگلیسی از قول تحلیلگران افزود: گذشته کاملاً روشن است. کاملاً بعید به نظر می رسد که تحریم ها بتوانند محاسبات هزینه- فایده جمهوری اسلامی را به هم بزنند. دولت ایران توانسته

بسیاری از محدودیت‌ها را دور بزند. فاینشال تایمز افزود: تحریم‌ها کمترین کارایی را خواهند داشت. مایکل روبین از مؤسسه آمریکان اینتر پرایز می‌گوید هیچ یک از گزینه‌های پیش روی اوپاما، شانس اثربخشی ندارند اما شاید بتوانند آبشاری از وقایع را به راه بیندازند. تحریم‌های مالی به تنهایی ایران را متوقف نخواهند کرد. میدل ایست آن لاین نیز در تحلیل تحریم‌های پیشنهادی آمریکا نوشت: اوپاما باید تحریم‌ها را فراموش کند. آنها از تحریم‌های سخت‌تر سخن می‌گویند اما باید به این مقامات گفت مقطع فعلی، زمان مناسبی برای اعمال تحریم‌های شدیدتر علیه ایران نیست. این رسانه آمریکایی افزود: واشنگتن باید تاکتیک‌های خود را در مذاکره با ایران تغییر بدهد و پیشنهاد معتبری را بر روی میز مذاکره قرار بدهد. در عین حال واشنگتن باید گزینه تحریم‌ها علیه ایران را فراموش کند و روند پیشین دیپلماسی را در قبال این کشور ادامه بدهد. احتمال بسیار ضعیفی وجود دارد که دیگر کشورها از تحریم علیه ایران حمایت کنند. حتی تصویب تحریم در شورای امنیت هم - که بهترین شرایط است - صرفاً نمادین و بی‌تأثیر خواهد بود. تحریم‌های ضعیف و یکجانبه هم نه تنها تأثیر چندانی ندارد بلکه پیامدهای معکوسی را در پی خواهد داشت و مواضع ایران را تقویت می‌کند. میدل ایست آن لاین نتیجه گرفت: در حقیقت آمریکا در قبال ایران با مشکلات جدی مواجه و دچار نوعی سردرگمی است. تنها گزینه، به رسمیت شناختن حق غنی‌سازی اورانیوم در ایران و نشستن پای میز مذاکره است.

شبهه‌های اجتماعی همان احضار روح با استکان است! (خبر ویژه)

«شبهه‌های اجتماعی که موسوی در بیانیه‌های خود عنوان می‌کند، مرا یاد احضار روح با استکان می‌اندازد!» این مطلب را کاریکاتوریست خارج نشین نشریات زنجیره‌ای با اشاره به اینکه موسوی خود را رهبر جنبش سبز نمی‌داند و هدایت آن را به شبکه‌های اجتماعی حواله می‌دهد، نوشت و اضافه کرد: قدیم ترها می‌نشستیم دور هم و روی یک مقوا حروف الفبا را درون دایره‌های مجزا می‌نوشتیم. چند نفری سعی می‌کردیم در نور شمع، تمرکز کنیم تا جناب روح سر و کله اش پیدا شود، بعد به نوبت انگشتان ما منتقل شود تا استکان روی دایره‌های حروف الفبا برود و از روح جواب‌هایمان را بگیریم. همه نوبت انگشت اشاره شان به استکان بود و البته نباید فشار هم می‌آوردند! اما نکته جالب این بود که جوابی هم گرفته می‌شد که می‌توانست ناشی از فشار یا تمرکز بیشتر یکی از چند احضار کننده آماتور توی اتاق باشد. الان شبکه‌های اجتماعی شاید چنین باشند. وی سپس با اشاره به نقش شبکه‌های مجازی خارجی نظیر فیس بوک در هدایت آشوبگران می‌نویسد: «گاهی فکر می‌کنم شخصیت مجازی من در 3 پروفایلی که روی فیس بوک دارم، حقیقی‌تر از خودم است! حس می‌کنم این سه نفری که روی فیس بوک دارم، سه آدم جداگانه هستند. یعنی آیا من 3 نفر مختلف هستم؟ نمی‌دانم! اما می‌دانم این سه نفر، ممکن است سه لحن مختلف داشته باشند، اما انگار سرهای یک «آزدهای چند سر» یا کله‌های متعدد یک موجود عقب افتاده یا هر چیزی که دلتان بخواهد نام گذاری کنید است.» موسوی ادعای خودجوش بودن آشوبگری را پس از آن مطرح کرده که عملاً معلوم شده آشوبگران وی را صرفاً بهانه‌ای برای ضدانقلابی‌گری خود می‌دانستند و تا جایی با او همراهند که از آنها اطاعت کند وگرنه هر جا که کمترین تعللی کرده، سازمان دهندگان آشوب به او بی‌اعتنایی کرده‌اند. به عبارت دیگر بیش از آن که هدایت کننده باشد، با اصول «شرطی سازی» - و نقطه ضعف‌های مبتنی بر جاه طلبی و ارتباط با بیگانگان - مدیریت شده است.



سپر گروهک‌های برانداز یا مرجع مجاهدین و مجمع روحانیون؟! (خبر ویژه)

پاسخ جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به پرسش شهروندان و اعلام اینکه آقای صانعی صلاحیت مرجعیت را ندارد، با واکنش مجمع روحانیون روبرو شد. مجمع روحانیون در ماجراهایی همچون شکستن حرمت امام حسین(ع)، جسارت به تصویر امام خمینی در روز 16 آذر، حذف اسلام از جمهوری اسلامی و سر دادن شعارهایی به نفع آمریکا و اسرائیل در تجمعات راه اندازی شده از سوی سه چهره مورد حمایت این جریان (موسوی، خاتمی و کروبی) سکوت توأم با رضایت کرد و حتی در مقاطعی، برخی اعضای آن جزو آتش بیاران معرکه بودند. این گروه که تنها نامی از آن باقی مانده، با وجود سکوت یا همراهی با جریان فتنه در هتک حرمت همه مقدسات، به خاطر آقای صانعی غیرتی شد و بیانیه‌ای در دفاع از وی که از آلت دست‌های فتنه‌گران برای غبارآلود کردن فضا به شمار می‌رفت، صادر کرد. در بیانیه صادره به نام مجمع - که به روال بسیاری از بیانیه‌های صادره از سوی گروه‌های طیف مدعی اصلاحات معلوم نیست از سوی چه کسانی نوشته و صادر می‌شود - با استناد به فرمایش

پیامبر اکرم(ص) مبنی بر اینکه «فقها، امنای پیامبرانند» آمده است: عدالت و اخلاص آیت الله صانعی مورد تایید عالمان برجسته حوزه ها و خیل عظیمی از مقلدان بوده و هست و هیچ جای تردیدی در مرجعیت ایشان نیست و این مرجعیت با بیانیه يك گروه مورد پذیرش مقلدان قرار نگرفته که با بیانیه گروهی دیگر از اعتبار بیفتد.

بیانیه مجمع همچنین به تعبیر حضرت امام خمینی درباره صانعی- قبل از وقوع انحراف در رویه آقای صانعی- استناد کرده اما اشاره ای به این واقعیت نکرده است که آشوبگران در ماه های اخیر ضمن حمله به اسلام و انقلاب و ولایت، و هتاکي عليه بنیانگذار جمهوری اسلامی و نهایتاً هتک حرمت عاشورای حسینی، شعار می دادند «روحانی واقعی- منتظری، صانعی». طبیعتاً انتظار می رود تنظیم کنندگان بیانیه در صورت داشتن صداقت توضیح دهند که چرا دشمنان دین و امامت و ولایت و روحانیت با وجود اصرار به دهن کجی به اصل مقدسات، از امثال صانعی حمایت می کنند؟! یا این همان صانعی زمان امام است، اگر هست پس چرا به حضرت امام جسارت می شود و از صانعی تمجید؟! مجمع همچنین توضیح نداده که آیا تحریف کلمات حضرت امام از سوی آقای صانعی به نفع ضدانقلاب هم که چند ماه پیش صورت گرفت جزو لوازم همراهی با امام است؟ اما درباره «سلب مرجعیت» یا «استقلال مرجعیت» باید گفت امام عصر(عج) برای فقیهی که شایسته تقلید و پیروی است مشخصاتی برشمرده اند نظیر «صائناً لنفسه، حافظاً لدينه، مخالفاً لهواه و مطيعاً لامر مولاه» و بر اساس این کلام شریف، هر درس حوزه و فقه خوانده ای را نمی توان محل رجوع و مرجع تقلید دانست. آیا آقای صانعی که اظهارنظرهایش تبدیل به تیر اول رسانه ها و سایت های دولت های استکباری نظیر آمریکا و انگلیس و اسرائیل می شود و دشمنان اصلی دین در دنیا مواضع وی را علیه جمهوری اسلامی منعکس می کنند، مصداق حافظ دین، مخالف هوا، مطیع امر مولا و مراقب نفس خویش است؟! در باب استقلال مرجعیت هم که برخی از محافل نفاق مطرح می کنند باید پرسید استقلال از چه کسی؟ از اسلام و امامت و انقلاب یا استقلال از استکبار و دشمنان دین؟!

یادآور می شود مهر ماه سال جاری شماری از اعضای گروهک منافقین، نهضت آزادی، حزب مشارکت و سازمان مجاهدین با ارسال نامه مشترکی (که اسامی و امضاهای آن موجود است) از مواضع ضدانقلابی و ضدملی آقای صانعی تشکر کردند. سایت های منتشرکننده نامه در عین حال، تصاویر علمای بزرگ (حضرات آیات مکارم شیرازی، سبحانی، صافی گلپایگانی، مطهری، جوادی آملی، طاهری خرم آبادی، مومن، استادی، هاشمی شاهرودی، امینی، راستی کاشانی، مقتدایی و اعضای جامعه مدرسین) به عنوان حامیان نظام منتشر کرده و مورد حمله قرار دادند.

البته مرجعیت فردی مانند آقای صانعی سالی به انتفای موضوع است و حتی اگر جامعه مدرسین هم براساس مسئولیت و تکلیف، اعلام موضع نمی کرد، تکلیف مشخص بود چرا که مردم مؤمن سراغ افرادی با عملکرد آمریکا و ضدانقلاب پسند نمی روند، و تنها جماعتی دورافتاده از امام و انقلاب نظیر سازمان مجاهدین پای مرجعیت امثال آقای صانعی می ایستند که آنها هم اساساً به مرجعیت اعتقادی ندارند و به تعبیر هاشم آعاجری، تقلید از مرجعیت را کار میمون می دانند. البته در این میان، منافقین مرجعیت دارند و کسانی نظیر صانعی، نقش مقلد را ایفا می کنند.

ذکر این نکته هم ضروری است که سایت ضدانقلابی جرس (یکی از کانون های سازماندهی آشوبگران) پیروز تصریح کرده بود: «اپوزیسیون برانداز برون مرزی اکنون خود را در سنگری جای داده که موسوی، کروبی، خاتمی و صانعی به عنوان سپرهای حمایتی و حفاظتی، از آن سنگر دفاع می کنند»!!

ارتش سایبری ایران شبکه اینترنتی «سیا» را به غنیمت گرفت (خبر ویژه)

تیر شبکه «تویتر» علیه عناصر فعال آشوب کمانه کرد. وزارت خارجه آمریکا در کنار شبکه هایی چون فیس بوک، از تویتر برای القای تقلب در انتخابات ایران و ایجاد فضای شایعه و التهاب و آشوب، حداکثر استفاده را کرد و حتی به گردانندگان این شبکه جایزه داد اما اکنون خبر می رسد که شبکه اینترنتی مذکور خود به وسیله شناسایی و دستگیری فعالان آشوب تبدیل شده است. محافل غربی حامی آشوب اکنون از تویتر به عنوان «شبکه خطرناک» یاد می کنند.

در این زمینه روزنامه هایی چون تایمز، دی سایت و تلگراف هشدارهای مشابهی را منتشر کردند. دی سایت آلمان در گزارش خود نوشت: تویتر به مخالفان در ایران کمک می کرد اما اکنون جمهوری اسلامی از این شبکه برای شناسایی مخالفان استفاده می کند. تایمز هم از «مشکلات ویژه وسیله ارتباطی» آشوبگران و امکان ردیابی و شناسایی این طیف به واسطه تویتر خبر داد. روزنامه تلگراف هم در هشدار مشابهی نوشت «ایران تکنیکی را مورد استفاده قرار می دهد که به طور خودکار می توان مبادله کنندگان اطلاعات در تویتر را شناسایی کرد بی آن که فرستنده و دریافت کننده از موضوع مطلع شوند. این برای دستگاه امنیتی ایران بسیار ساده است و حتی از این طریق مدارک لازم برای دستگیری افراد جمع آوری می شود. استفاده کنندگان تویتر نباید با ارسال اطلاعات به آدرس های داخلی، موقعیت مخالفان را به خطر بیندازند».

وزیر خارجه آمریکا در اوج آشوب های چند ماه پیش از مدیران تویتر خواسته بود فعلاً تعمیرات شبکه را به خاطر حیاتی بودن نقش آنها در آشوب ها متوقف کنند. بعدها کلینتون تصریح کرد «حمایت ما از آشوبگران این بار محرمانه و ویژه بود». اما اکنون همین شبکه به ابزار مهم شناسایی شبکه مرتبط با سازمان سیا و وزارت خارجه آمریکا تبدیل شده است. محافل اطلاعاتی آمریکا، از ایران به عنوان یکی از قدرت های بزرگ سایبری در دنیا نام می برند.



گزارش خبری کیهان مردان خداجوی موسوی بهایی و تروریست از آب درآمدند

دستگیری شماری از سرکردگان و فعالان حزب استعماری بهائیت پس از حرمت شکنی و اغتشاش روز عاشورا، رسانه های آمریکایی و انگلیسی را نگران کرد. بی بی سی انگلیس و رادیو فردا آمریکا اعلام کردند 10 نفر از اعضا و سران بهائیان پس از حوادث روز عاشورا توسط ماموران امنیتی ایران دستگیر شده اند.

یکی از سران این جریان در خارج کشور در گفت و گوی مشترک با بی بی سی و رادیو فردا، اسامی بابک و لقا مبشر، ژینوس سبحانی، آرتین غضنفری، نگار ثابت، نسیم بیگلری، سعید و مهران روحانی، پیام فنائیان و مونا هویدایی را به عنوان افراد دستگیر شده اعلام کرد و گفت 3 تن از آنها آزاد شده اند. براساس برخی گزارش های خارجی، نیکا هویدایی، زاوش و ابراهیم شادمهر، ولوا خانجانی (نوه جمال خانجانی از سران بهائیت) نیز جزو بازداشت شدگان اولیه بوده اند.

7 تن از سران بهائیان سال گذشته به خاطر جاسوسی برای رژیم صهیونیستی و تبلیغ علیه نظام دستگیر شده بودند. مقر بهائیان در حیفا (فلسطین اشغالی) قرار دارد. ژینوس سبحانی (همسر آرتین غضنفری) از عناصر دستگیر شده، منشی گروهک کانون مدافعان حقوق بشر (راه اندازی شده توسط شیرین عبادی به سفارش دبک چنی معاون وقت جرج بوش) می باشد و در راستای جاسوسی برای بیگانگان و شایعه پراکنی علیه جمهوری اسلامی و تحریک به آشوبگری، ارتباطات تنگاتنگی با شیرین عبادی دارد. عبادی ماه هاست از کشور گریخته و با وجود ادعای اولیه برای بازگشت به کشور از این کار سر باز زده است. برخی قریبه ها از بهایی بودن این عنصر سلطنت طلب حکایت می کنند. وی در خارج کشور اقدام به کشف حجاب کرده است. گروهک کانون مدافعان حقوق بشر خانه تیمی مشترک بهائیان، گروهک نهضت آزادی، سلطنت طلبان، جبهه ملی و برخی افراتیون جبهه اصلاحات به شمار می رفت و با پول اعطایی به عبادی در پوشش جایزه نوبل راه اندازی شده بود.

با توجه به دشمنی دیرینه فرقه انگلیس ساخته بهائیت با امامت و تشیع (به ویژه با مهدویت)، تحرکات این جریان فاسد و انحرافی در روز عاشورا برای هتک حرمت عزای حسینی قابل فهم تر می شود ضمن اینکه سران این جریان، وابستگی های علنی به رژیم صهیونیستی، انگلیس و آمریکا دارند. در زمان رژیم پهلوی برای ریاست دستگاه هایی چون ساواک، شهرداری و ارتش از عناصر جنایتکار و بی رحم بهایی استفاده می شد.

وزارت اطلاعات علاوه بر شماری از عناصر بهایی، 14 تن از اعضای گروهک منافقین را در جریان آشوبگری ضدانقلاب در روز عاشورا دستگیر کرده که احتمال اعدام آنها به عنوان محارب می رود. در پی دفاع یکی از سران فتنه (میرحسین موسوی) از حرمت شکنان روز عاشورا که از آنها به عنوان «مردمی خداجو» یاد کرده بود، برخی از عناصر ضدانقلاب با وقاحت واکنش نشان دادند و از جمله سایت سکولاریسم نو خطاب به موسوی نوشت: آیا به نظر موسوی تمام شرکت کنندگان در تظاهرات روز عاشورا مردمی خداجو بودند؟ تعبیر «جریان های منحوس منافقین» در بیانیه چه لزومی داشت؟ آیا می دانی گروه های دیگری همچون سلطنت طلبان، کمونیست ها و بهایی ها در مبارزه شرکت دارند و اعتقادی به مذهب و ولایت فقیه ندارند؟

دستگیری 14 تروریست

و 16 عضو گروهک بهائیت

پیش از این 2 مقام وزارت اطلاعات در دیدار با اعضای کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی اعلام کرده بودند سلطنت طلبان و خارج نشینان عامل اصلی اغتشاشات در روز عاشورا بوده اند و برخی از عوامل آنان دستگیر شده اند.

به گزارش مهر محمد کریمی راد با اشاره به جلسه کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی که با حضور قائم مقام و معاون امنیت داخلی وزارت اطلاعات برگزار شد، تصریح کرد: در این جلسه اغتشاشات اخیر ریشه یابی و واکاوی شد و مقامات امنیتی به سوالات نمایندگان پاسخ دادند. نماینده مردم کرمانشاه با بیان اینکه مقامات امنیتی مستندات بیشتری در رابطه با اغتشاشات اخیر ارائه دادند، خاطر نشان کرد: در بین سرکردگان عوامل اغتشاشات عاشورا که توسط ماموران دستگیر شده اند 4 عضو گروهک مارکسیستی حضور دارند و علاوه بر اینکه تعدادی نیز از بهائیان در فتنه های اخیر نقش داشته اند.

از سوی دیگر یک مقام آگاه از بازداشت 14 نفر از اعضای گروهک تروریستی منافقین در اغتشاشات روز عاشورا خبر داد و افزود: 6 نفر از این تعداد از اعضای سابقه دار گروهک منافقین بوده اند. این مقام آگاه به «جهان نیوز» گفت: در جریان حرمت شکنی های روز عاشورا 16 نفر از اعضای فرقه ضاله بهائیت در محل اغتشاشات بازداشت شده اند.

تحرکات تروریست ها در اغتشاشگری روز عاشورا (یکشنبه هفته گذشته) منجر به کشته شدن 7 نفر شد. قربانیان از جمله با اسلحه ساچمه ای هدف گرفته شده و در مواردی از ارتفاع به پایین پرتاب شده بودند. در همان روز خواهرزاده میرحسین موسوی در خیابانی خلوت به دور از اغتشاشات توسط تیمی که از صحنه گریخت ترور شد.



پیام تسلیت رهبرانقلاب به مناسبت ارتحال آیت الله حاج آقا علی صافی

حضرت آیت الله خامنه ای در پیامی خطاب به حضرت آیت الله آقای حاج شیخ لطف الله صافی، ارتحال مرحوم آیت الله آقای حاج آقا علی صافی رحمت الله علیه را تسلیت گفتند. متن پیام به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آیت الله آقای حاج شیخ لطف الله صافی دامت برکاته
 ارتحال اخوی مکرم مرحوم آیت الله آقای حاج آقا علی صافی رحمت الله علیه را به آن جناب و دیگر
 بازماندگان و به همه ارادتمندان ایشان بویژه مردم مومن گلپایگان تسلیت عرض میکنم. این فقیه
 عالیقدر که از شاگردان برجسته مرحوم آیت الله العظمی بروجردی اعلی الله مقامه بودند، عمر با
 برکت خود را در خدمت علم و دین گذرانیدند و امید است مشمول فضل و رحمت و مغفرت الهی بوده
 باشند. علو درجات آن مرحوم و بقاء وجود شریف جنابعالی را از خداوند متعال مسألت میکنم.

سید علی خامنه ای
 14 دی 1388

صفحه (14)

صفحه (3)

صفحه (2)

